

نگاهی کاستی جویانه به عملکرد برنامه شاخه کار دانش

دکتر احد نویدی*

چکیده

برای بررسی عملکرد شاخه کار دانش و مشاهده تصویر این شاخه در آینه پژوهش، یافته‌های تعداد ۷۲ سند پژوهشی با استفاده از روش‌های ناظر بر مطالعات کیفی (تلخیص، طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر) مورد مطالعه قرار گرفت. از مطالعه این اسناد می‌توان دریافت که تنها در ۱۶ درصد این اسناد به نقاط مثبت برنامه کار دانش اشاره شده است. از مجموعه شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که عملکرد برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کار دانش چندان موفقیت‌آمیز نیست. ارزشیابی دقیق عملکرد برنامه کار دانش مستلزم توجه کافی به بافت فرهنگی و مجموعه نظام‌هایی است که همواره در حال تعامل هستند. به همین دلیل، سر و سامان یافتن برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مستلزم بهبود وضعیت اقتصادی کشور و بازار کار است. اختلال در نظام اقتصادی کشور و رواج اقتصاد مبتنی بر دلالتی و غلبه آن بر اقتصاد تولیدی می‌تواند موفقیت برنامه‌های آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی، به ویژه برنامه‌های آموزش‌های مهارتی را تهدید کند. ادامه وضع موجود به لوث شدن برنامه کار دانش و تضییع حقوق دانش‌آموزان این شاخه منجر خواهد شد. بنابراین، بازبینی و اصلاح برنامه و تمهید مقدمات اجرا، توقف توسعه کمی و اتخاذ تدابیر مؤثر برای توسعه کیفی برنامه کار دانش براساس معیارهای اقتصادی و فرهنگی کشور ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: برنامه کار دانش، بازار کار، کاستی‌ها، ارزشیابی

مقدمه

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم این آموزش‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، تا آنجا که اکنون آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها به ویژه جوامع صنعتی، در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی در حرکت است. امروزه، ملت‌ها سخت در تلاش هستند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال، منابع خود را مورد استفاده بهینه قرار دهند. در حقیقت، همهٔ افراد، حتی مردم کشورهای در حال توسعه به شرطی می‌توانند در بازار کار رقابت کنند که در کاربرد تکنولوژی‌های نوین مهارت داشته و از مهارت‌های تخصصی برخوردار باشند (گرت لوز^۱، ۱۹۹۱، ترجمهٔ محمدبیگی، ۱۳۷۸).

در ایران، اولین نظام رسمی آماده‌سازی افراد برای اشتغال در سال ۱۲۶۸ هجری قمری بنا شد. با احداث دارالفنون نخستین قدم در راه اشاعهٔ علوم و فنون جدید برداشته شد. پس از تأسیس دارالفنون، توجه به معارف جدید بیشتر شد و علاوه بر ایجاد مدارس عادی که روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد، چند مدرسهٔ تخصصی دایر شد. در طول نزدیک به یک قرن و اندی برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به‌رغم تحمل فراز و نشیب‌های زیاد، به لحاظ کمی از رشد نسبی برخوردار بود (مرجانی، ۱۳۷۰).

وجود تنگناها و مشکلات متعدد در نظام آموزشی کشور، به خصوص بی‌توجهی آن به نیازهای جامعه و دانش‌آموزان، مسئولان فرهنگی جمهوری اسلامی را بر آن داشت که مسئلهٔ نظام آموزشی را جدی بگیرند و برای حل آن تدابیر لازم را اتخاذ کنند. برای اصلاح یا تغییر نظام آموزش و پرورش فعالیت‌هایی به همت مسئولان فرهنگی کشور و صاحب‌نظران علاقه‌مند انجام شد و در پایان سال ۱۳۶۴، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی به نام شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را مأمور انجام بررسی‌های لازم کرد. حاصل این مأموریت به صورت "طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران" تدوین شد و در تیر ماه ۱۳۶۸ به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. طراحی تفصیلی و فراهم آوردن مقدمات اجرای آزمایشی ادامه یافت تا

1. Gert Loose

اینکه برنامه جدید آموزش متوسطه کشور از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ با زیر پوشش قرار دادن ۱۰ درصد دانش‌آموزان سال اول متوسطه به مرحله اجرا در آمد. از آن زمان تاکنون بر تعداد دانش‌آموزان کاردانش به‌طور فزاینده افزوده شده است (نویدی، ۱۳۸۳)؛ به‌طوری که تعداد دانش‌آموزان شاخه کاردانش در مقایسه با سال ۷۳-۱۳۷۲ (شروع برنامه) ۲۸/۸ برابر شده است. در همین مدت، نسبت دانش‌آموزان شاخه کاردانش به کل دانش‌آموزان پایه دوم و سوم دوره آموزش متوسطه از ۱۳,۴۰ درصد به ۱۹/۳۰ درصد رسیده است؛ به عبارتی، ۱۹/۳۰ درصد از دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم متوسطه در سال ۸۸-۱۳۸۷ را دانش‌آموزان شاخه کاردانش تشکیل می‌دهند. انتظار می‌رفت، شاخه تحصیلی کاردانش که ظاهراً بر اساس رویکردهای جدید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأسیس شده است، از موفقیت چشمگیری برخوردار باشد و استقبال گروه‌های ذی‌ربط از این برنامه روز به روز افزایش یابد. با وجود اینکه بر تعداد دانش‌آموزان کاردانش سال به سال افزوده شده و رقم آن درسال‌های اخیر به ۲۰ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه نزدیک شده است، شواهد متقاعدکننده‌ای در باره موفقیت قاطع برنامه کاردانش فراهم نشده است. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی عملکرد کاردانش بر مبنای شواهد پژوهشی است.

ماهیت شاخه کاردانش

کاردانش شاخه‌ای از نظام جدید آموزش متوسطه است که براساس اهداف کلی و اصول حاکم بر این نظام و هماهنگ با آن طراحی شده است. اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و آماده ساختن جوانان برای اشتغال مفید یا ادامه تحصیل در سطوح عالی‌تر به عنوان هدف کلی دوره متوسطه تعیین شده است. آموزش‌های کاردانش به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که موجبات ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به‌فعلیت درآوردن استعدادهاى نهفته آنان را فراهم می‌آورد تا آنها را برای احراز شغل، حرفه و کسب کار مشخص آماده سازد و یا مهارت آنها را برای انجام کاری که به آنان محول شده است، تا سطح مطلوب افزایش دهد (نویدی، ۱۳۸۳).

نظام جدید آموزش متوسطه کشور از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ با زیر پوشش قراردادن حدود ۱۰ درصد دانش‌آموزان سال اول متوسطه به مرحله اجرا درآمد. از همان سال تحصیلی، اداره کل آموزش و پرورش فارس، به عنوان تنها استان کشور، شاخه کاردانش را در محدوده شهر شیراز با پذیرش ۲۳۷ نفر دانش‌آموز و ارائه آموزش در پنج رشته مهارتی، به مرحله اجرا درآورد (تکمیل همایون، ۱۳۷۷). در سال تحصیلی

۷۳-۱۳۷۲ همه استان‌های کشور، با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود، برای اجرای آموزش‌های کاردانش اقدام کردند تا پس از ارائه آموزش‌های عمومی و مشترک و نیز دروس اختصاصی و آموزش مهارت مورد نظر، این گروه از دانش‌آموزان را پس از کسب دیپلم کاردانش، برای ورود به بازار کار آماده سازند. از آن زمان، سال به سال بر تعداد مناطق آموزشی تحت پوشش برنامه کاردانش افزوده شد و در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ بیش از ۸۲ درصد مناطق آموزشی کشور زیر پوشش آموزش‌های کاردانش قرار گرفتند (نویدی، ۱۳۸۳). با مطالعه آمار موجود درمی‌یابیم که نسبت دانش‌آموزان شاخه کاردانش به تعداد کل دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم نظام جدید آموزش متوسطه، از ۱۳/۴۰ درصد در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ به ۱۹/۳۰ درصد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ افزایش یافت و تعداد کل دانش‌آموزان کاردانش در طول این ۱۶ سال، بدون احتساب بزرگسالان، به ۴۱۳۹۰۶ نفر رسیده است.

آمار دانش‌آموزان شاخه کاردانش

از مجموع ۲۱۴۵۰۶۵ دانش‌آموز پایه‌های دوم و سوم دوره متوسطه در سال ۸۸-۱۳۸۷، تعداد ۴۱۳۹۰۶ نفر (۱۹/۳۰ درصد) در شاخه کاردانش مشغول به تحصیل بودند. تعداد دانش‌آموزان شاخه کاردانش در مقایسه با سال ۷۳-۱۳۷۲ (شروع برنامه) ۲۸/۸ برابر شده است. در همین مدت، نسبت دانش‌آموزان شاخه کاردانش به کل دانش‌آموزان پایه دوم و سوم دوره آموزش متوسطه از ۱۳,۴۰ درصد به ۱۹/۳۰ درصد رسیده است. به عبارتی، ۱۹/۳۰ درصد از دانش‌آموزان دوم و سوم متوسطه در سال ۸۸-۱۳۸۷ را دانش‌آموزان شاخه کاردانش تشکیل می‌دهند. توزیع فراوانی دانش‌آموزان کاردانش و نظام جدید آموزش متوسطه و نسبت گروه اول به گروه دوم، به تفکیک سال تحصیلی، پایه و جنس دانش‌آموزان، در طول ۱۶ سال، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) توزیع فراوانی دانش آموزان کاردانش و دوره متوسطه به تفکیک جنس، پایه و سال

تحصیلی (بدون بزرگسالان)

درصد کاردانش	جمع کل	جمع پایه سوم	دختر پایه سوم	پسر پایه سوم	جمع پایه دوم	دختر پایه دوم	پسر پایه دوم	جنس و پایه سال و شاخه	
								کاردانش	متوسطه جدید
۱۳/۴۰	۱۴۳۷۲ ۱۰۷۰۴۲				۱۴۳۷۲ ۱۰۷۰۴۲	۴۱۰۸ ۴۹۲۳۱	۱۰۲۶۴ ۵۷۸۱۱	کاردانش	۱۳۷۲-۷۳
۱۴/۴۰	۵۰۷۱۶ ۳۵۳۰۵۴	۱۲۸۱۷۸ ۱۰۳۰۴۵	۴۰۵۱ ۴۸۰۱۳	۸۱۲۷ ۵۵۰۳۲	۳۷۸۳۸ ۲۵۰۰۰۹	۱۲۱۱۶ ۱۱۴۰۰۴	۲۵۷۲۲ ۱۳۶۰۰۵	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۳ - ۷۴
۱۲/۳۰	۸۰۷۳۹ ۶۵۸۵۱۶	۲۴۲۱۶ ۲۵۱۳۵۹	۷۸۶۶ ۱۱۴۱۲۶	۱۶۳۵۰ ۱۳۷۲۳۳	۵۶۵۲۳ ۴۰۷۱۵۷	۲۱۱۷۷ ۱۹۹۱۰۸	۳۵۳۴۶ ۲۰۸۰۴۹	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۴ - ۷۵
۱۲/۷۰	۱۶۳۳۴۳ ۱۲۹۰۱۴۱	۵۴۴۸۲ ۴۳۹۲۰۰	۲۱۵۱۹ ۲۰۸۱۰۸	۳۲۹۶۳ ۳۳۱۰۹۲	۱۰۸۱۶۱ ۸۵۰۹۴۱	۴۳۶۱۸ ۴۲۶۴۳۰	۶۵۲۴۳ ۴۲۴۵۱۱	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۵ - ۷۶
۱۰/۹۰	۲۰۲۲۹۶ ۱۸۶۵۹۹۴	۹۹۵۹۲ ۸۹۶۴۰۱	۴۲۲۰۷ ۴۴۴۸۶۴	۵۷۳۸۵ ۴۵۱۵۳۷	۱۰۲۷۰۴ ۹۶۹۵۹۳	۴۳۷۶۶ ۵۰۱۹۰۷	۵۸۹۳۸ ۴۶۷۶۸۶	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۶ - ۷۷
۱۳/۹۰	۳۰۸۱۲۱ ۲۲۲۸۲۲۶	۱۵۸۱۷۹۰ ۱۱۹۶۲۵۸	۶۴۷۰۲ ۵۹۲۷۷۳	۹۴۰۸۱ ۶۰۳۴۸۵	۱۴۹۹۳۱ ۱۰۳۱۹۶۸	۶۳۰۴۷ ۵۳۰۵۲۱	۸۶۸۸۴ ۵۰۱۴۴۷	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۷ - ۷۸
۱۵/۲۰	۳۷۲۹۸۶ ۲۴۵۱۸۰۹	۱۹۲۲۴۰ ۱۳۰۶۴۸۱	۷۹۱۲۳ ۶۴۵۴۰۹	۱۱۳۱۱۷ ۶۶۱۰۷۲	۱۸۰۷۴۶ ۱۱۴۵۳۲۸	۷۸۱۸۹ ۵۹۷۸۸۳	۱۰۲۵۵۷ ۵۴۷۴۴۵	کاردانش متوسطه جدید	۱۳۷۸ - ۷۹
۱۵/۲۷	۳۶۷۳۷۱ ۲۴۰۶۱۶۰	۲۵۶۷۱۷ ۱۴۷۶۴۳۶	۱۰۱۳۷۵ ۷۲۰۵۳۱	۱۵۵۳۴۲ ۷۵۵۹۰۵	۱۱۰۶۵۴ ۹۲۹۷۲۴	۵۰۹۴۱ ۵۱۲۴۱۷	۵۹۷۱۳ ۴۱۷۳۰۷	کاردانش کل متوسطه	۱۳۷۹ - ۸۰
۱۷/۲۶	۴۰۹۸۱۳ ۲۳۷۴۰۴۲	۲۰۰۴۹۷ ۱۲۷۷۱۷۱	۷۹۰۴۵ ۶۴۱۴۹۶	۱۲۱۴۵۲ ۶۳۵۶۷۵	۲۰۹۳۱۶ ۱۰۹۶۸۷۱	۸۶۵۴۶ ۵۷۸۸۱۷	۱۲۲۷۰ ۵۱۸۰۵۴	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۰ - ۸۱
۲۰	۴۴۸۲۶۴ ۲۲۴۶۲۰۹	۲۲۴۴۵۸ ۱۱۱۸۲۶۰	۸۹۷۰۰ ۵۷۵۹۳۵	۱۳۴۷۵۸ ۵۴۲۳۲۵	۲۲۳۸۰۶ ۱۱۲۷۹۴۹	۹۴۴۰۰ ۵۸۵۲۶۷	۱۲۹۴۰۶ ۵۴۲۶۸۲	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۱-۸۲
۲۰/۳۳	۴۵۲۸۲۶ ۲۲۲۶۹۶۶	۲۲۱۹۳۴ ۱۱۰۵۹۶۴	۹۱۷۷۳ ۵۶۹۴۹۹	۱۳۰۱۶۱ ۵۳۶۴۶۵	۲۳۰۸۹۲ ۱۱۲۱۰۰۲	۹۴۱۱۵ ۵۷۳۴۱۸	۱۳۶۷۷۷ ۵۴۷۵۸۴	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۲-۸۳
۲۰/۳۷	۴۴۵۵۲۸ ۲۱۸۷۲۴۲	۲۲۰۰۳۴ ۱۰۸۲۰۹۴	۸۹۸۶۲ ۵۵۴۰۶۰	۱۳۰۱۷۲ ۵۲۸۰۳۴	۲۲۵۴۹۴ ۱۱۰۵۱۴۸	۹۳۱۰۶ ۵۶۷۵۳۶	۱۳۲۳۸۸ ۵۳۷۶۱۲	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۳-۸۴
۲۰/۳۱	۴۵۳۶۵۴ ۲۲۳۳۶۸۵	۲۲۲۰۹۴ ۱۰۸۰۵۵۳	۹۱۶۲۳ ۵۵۳۷۳۹	۱۳۰۴۷۱ ۵۲۶۸۱۴	۲۳۱۵۶۰ ۱۱۵۳۱۳۲	۹۵۲۷۷ ۵۸۹۴۸۳	۱۳۶۲۸۳ ۵۶۳۷۴۹	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۴-۸۵
۱۹/۵۱	۴۳۳۸۸۱ ۲۲۲۴۰۹۴	۲۲۶۹۷۰ ۱۱۲۷۶۴۵	۹۱۵۱۸ ۵۷۲۱۳۳	۱۳۵۴۵۲ ۵۵۵۵۱۲	۲۰۶۹۱۱ ۱۰۹۶۴۴۹	۸۳۴۷۲ ۵۵۶۲۲۹	۱۲۳۴۳۹ ۵۴۰۲۲۰	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۵-۸۶
۱۸/۶۹	۴۰۷۷۵۷ ۲۱۸۱۷۹۴	۲۰۰۹۸۸ ۱۰۸۳۶۴۱	۷۸۴۸۴ ۵۴۵۴۸۶	۱۲۲۵۰۴ ۵۳۸۱۵۵	۲۰۶۷۶۹ ۱۰۹۸۱۵۳	۷۹۵۲۱ ۵۵۱۵۷۵	۱۲۷۲۴۸ ۵۴۶۵۷۸	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۶-۸۷
۱۹/۳۰	۴۱۳۹۰۶ ۲۱۴۵۰۶۵	۲۰۴۹۳۳ ۱۱۰۹۰۲۰	۷۶۵۷۲ ۵۵۱۰۵۱	۱۲۸۳۶۱ ۵۵۷۹۶۹	۲۰۸۹۷۳ ۱۰۳۶۰۴۵	۷۹۹۵۱ ۵۱۵۵۲۶	۱۲۹۰۲۲ ۵۲۰۵۱۹	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۷-۸۸
۱۹/۲۴	۳۸۹۹۱۱ ۲۰۲۶۴۹۷	۱۹۴۳۱۳ ۱۰۸۲۸۳۳	۷۳۵۵۴ ۴۹۵۰۹۴	۱۲۰۷۵۹ ۵۱۳۱۸۹	۱۹۵۵۹۸ ۱۰۱۸۲۱۴	۷۲۶۴۰ ۴۹۱۵۱۶	۱۲۲۹۵۸ ۵۲۶۶۹۸	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۸-۸۹
۱۸/۹۷	۳۶۲۲۲۴ ۱۹۰۹۹۲۶	۱۸۳۱۲۸ ۹۷۰۳۶۵	۶۵۹۱۱ ۴۶۵۹۶۶	۱۱۷۲۱۷ ۵۰۴۳۹۹	۱۷۹۰۹۶ ۹۳۹۵۶۱	۶۶۶۷۸ ۴۵۵۰۷۰	۱۱۲۴۱۸ ۴۸۴۴۹۱	کاردانش کل متوسطه	۱۳۸۹-۹۰

ارزیابی عملکرد کاردانش بر مبنای شواهد پژوهشی

سؤال‌های پژوهش

- ۱) براساس شواهد پژوهشی موجود سیمای واقعی برنامه کاردانش چگونه است؟
- ۲) براساس شواهد پژوهشی موجود موفقیت برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کاردانش چگونه ارزیابی می‌شود؟

از زمان اجرای برنامه نظام جدید آموزش متوسطه، پژوهش‌های فراوانی درخصوص برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کاردانش انجام شده است. اگر چه این پژوهش‌ها سیمای واقعی برنامه کاردانش را به‌طور کامل و واضح نشان نمی‌دهند ولی، شناخت بسیاری از واقعیت‌های مربوط به برنامه کاردانش از طریق مطالعه مجموعه این پژوهش‌ها امکان‌پذیر است (نویدی و همکاران، ۱۳۸۴). برای تهیه پاسخ به سؤال‌های یادشده از روش‌های ناظر بر مطالعات کیفی (تلخیص، طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر) استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

از مطالعه ۷۲ سند پژوهشی می‌توان دریافت که تنها در ۱۶ درصد این اسناد به نقاط مثبت برنامه کاردانش اشاره شده است. برای نمونه، برقه‌ای (۱۳۸۴) در تحقیق خود نتیجه گرفت که اغلب فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به‌کار شده‌اند. اکثر فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش از رشته تحصیلی خود راضی هستند و برای انجام وظایف شغلی از توانایی نسبی برخوردارند. بر اساس گزارش اسداللهی (۱۳۸۲)، دانش‌آموزان مدارس کاردانش از عزت نفس بالاتر، سلامت عمومی بیشتر و پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردارند و راه یافتن به مدارس کاردانش، احتمال به‌دست آوردن شغل در آینده را افزایش می‌دهد. از نظر کارفرمایان در بخش صنعت فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها برای استخدام نسبت به فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها در اولویت قرار دارند (عابدی، ۱۳۸۳). بنا به گزارش حق‌پرست (۱۳۷۷) اکثر فارغ‌التحصیلان کاردانش مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که از مهارت‌های آموخته‌شده رضایت دارند.

در بیش از ۷۰ درصد گزارش‌های پژوهشی، برجسته‌های منفی برنامه کاردانش تأکید شده است؛ به عبارتی دیگر، نگرش‌ها و واکنش‌های منفی گروه‌های ذی‌ربط نسبت به کاردانش در ۷۰ درصد اسناد پژوهشی منعکس شده است و شواهد ناظر برجسته‌های

منفی بسیار روشن‌تر و نافذتر از شواهد و دلایلی است که برای نشان دادن نقاط مثبت ارائه شده‌اند. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها به شرح زیر خلاصه شده است:

غریب (۱۳۷۴) در پژوهش خود نتیجه گرفت که دانش‌آموزان با استعداد، به علل مختلف، به شاخه نظری گرایش دارند و دانش‌آموزانی وارد شاخه کاردانش می‌شوند که شرایط ادامه تحصیل در شاخه نظری را نداشته باشند و از روی ناچاری به شاخه کاردانش هدایت می‌شوند. دانش‌آموزان کاردانش، به ویژه پسران، برای تحصیل در این شاخه علاقه کافی ندارند. والدین دانش‌آموزان تمایلی به انتخاب شاخه کاردانش برای فرزندان خود ندارند. مهدی‌زاده (۱۳۷۶) گزارش کرد که ۵۴ درصد فارغ‌التحصیلان اعلام کرده‌اند که از روی ناچاری به انتخاب شاخه کاردانش تن داده‌اند. یک‌سوم فارغ‌التحصیلان کاردانش از نتیجه حرفه‌آموزی در شاخه کاردانش و فارغ‌التحصیل شدن از این شاخه رضایت نداشتند. مبهم بودن آینده فارغ‌التحصیلان کاردانش، علاقه آنان را نسبت به این شاخه کاهش داده بود. در مطالعه‌ای دیگر، برخی از دانش‌آموزان نمونه آماری اظهارداشتند که شاخه کاردانش به آنها تحمیل شده است و برای گریز از ترک تحصیل به این شاخه روی آورده‌اند (شهسواری فرد، ۱۳۷۵). مشاوران بر این باورند که دانش‌آموزان به رشته‌های کاردانش کمتر علاقه‌مندند و اغلب آنان در اثر عدم احراز شرایط سایر رشته‌ها، به ناچار به شاخه کاردانش روی آورده‌اند (افشاری، ۱۳۷۵). نویدی (۱۳۷۵) نتیجه گرفت که برخلاف نظر مسئولان حوزه ستادی شاخه کاردانش، تنها ۷۲ درصد دانش‌آموزان این شاخه در انتظار مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود هستند. تنها ۵۰ درصد از دانش‌آموزان مورد مطالعه به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند هستند. براساس یافته‌های حمزه‌لویی (۱۳۷۴)، مشاوران در اثر عدم تناسب تحصیلات با وظایف مشاور، چندان موفق نبوده‌اند و فرایند پیش‌بینی‌شده برای هدایت تحصیلی اجرا نمی‌شود. مشاوران در زمینه اجرای برنامه هدایت تحصیلی اهتمام جدی ندارند. به نظر می‌رسد همه مجریان نظام جدید در مورد وظایف خود ابهام دارند. فقط در حدود نیمی از اولیا در مورد برونداد نظام جدید رضایت دارند. ابراهیم‌آبادی (۱۳۷۶) هم نشان داد، دانش‌آموزان کاردانش نسبت به این شاخه تحصیلی نگرش مثبتی ندارند. مدیران و معلمان، با توجه به مشکلات اجرایی و چشم‌انداز نه چندان مساعد، در باره موفقیت‌آمیز بودن برنامه شاخه کاردانش تردید دارند و آینده تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان این شاخه را مبهم می‌دانند. میری (۱۳۷۶) گزارش داد که در شرایط موجود اجرای برنامه شاخه کاردانش در هنرستان‌ها صرفاً هدر دادن منابع است و آموزش کشاورزی در شاخه کاردانش مطلقاً موفق نیست. در برنامه نظام جدید آموزش متوسطه، هدایت تحصیلی (بر اساس علاقه، استعداد و نیازهای جامعه) نظام‌مند دانش‌آموزان شاخه

کاردانش موفقیت‌چندانی نداشته و شکایت‌های معلمان، دبیران فنی و استادکاران از بی‌علاقگی و نیز نداشتن استعداد کافی دانش‌آموزان در زمینه رشته مهارتی حکایت می‌کند (هیبت‌اللهی، ۱۳۷۶). نامناسب بودن ملاک‌ها و برنامه هدایت تحصیلی در پژوهش نویدی (۱۳۸۱) مورد تأکید قرار گرفته است. بنا به گزارش سلیمانی (۱۳۷۵)، دانش‌آموزان مهم‌ترین عامل عدم گرایش به شاخه کاردانش را دیدگاه منفی دبیران به این شاخه عنوان کرده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش لنکرانی (۱۳۸۰)، مدیران واحدهای آموزشی، موانع توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را نگرش نامساعد اولیای دانش‌آموزان، وجود ارتباط ضعیف بین مسئولان ذی‌ربط، نامناسب بودن جذب و سازماندهی کارکنان و پایین بودن کیفیت فضا و تجهیزات آموزشی عنوان کرده‌اند. در اثر نبود فضای آموزشی استاندارد از ساختمان‌های دبیرستان و مدارس راهنمایی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده می‌شود که مناسب نیست (سوداگری، ۱۳۸۱). یافته‌های پژوهش نویدی و برزگر (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که صرف‌نظر از رشته تحصیلی، ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های کامپیوتر و حسابداری در شهر تهران بیکار هستند. حدود ۶۰ درصد افراد نمونه آماری اعتقاد دارند که مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی کافی و مناسب نیست. بیش از ۴۰ درصد افراد اعلام کرده‌اند که به رشته تحصیلی خود علاقه نداشتند و از روی ناچاری و توأم با اکراه در شاخه کاردانش به تحصیل خود ادامه داده‌اند. تحصیل در شاخه کاردانش شانس اشتغال فارغ‌التحصیلان را افزایش نداده است. برزگر (۱۳۸۲) در پژوهش دیگری دریافت که ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری به رشته تحصیلی خود علاقه نداشتند و از روی ناچاری و توأم با اکراه در شاخه کاردانش به تحصیل خود ادامه داده‌اند. حدود ۴۵ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری در شهرستان‌های تهران بیکار بودند. تنها ۲۳ درصد افراد شاغل اعلام کرده‌اند که در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند. صرف‌نظر از جنس و رشته تحصیلی، ۶۵ درصد افراد نمونه آماری اعتقاد دارند که مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی کافی و مناسب نیست. میرهادی (۱۳۷۹) اعلام کرد که ارتباطی میان آموزش‌های دریافت‌شده و نوع اشتغال فارغ‌التحصیلان وجود ندارد. همچنین، درس کارورزی و کارآفرینی در تعیین شغل مؤثر نیستند. آموزش‌های ناکافی، عدم نظارت بر اجرای صحیح واحدهای کارمندی، تدریس درس کارآفرینی توسط افراد ناآشنا و غیرمتخصص و وضعیت نابسامان بازارکار در به وجود آمدن این وضع دخالت دارند. شریعت‌زاده (۱۳۸۵) هم گزارش داد که بین اجرای آموزش‌های مهارتی کاردانش

در سطح سازمان آموزش و پرورش شهر تهران و نیازهای بازار کار ارتباط نظام‌مند و مشخص برقرار نیست. رشته‌های مهارتی با نیازهای بازار کار هماهنگ نیست و در نتیجه آن، فارغ‌التحصیلان کاردانش در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود جذب نمی‌شوند (حنیفی، ۱۳۸۰). در اثر عدم رعایت استانداردهای آموزشی، وزن بخش نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سنگین‌تر شده است و مهارت‌آموزی تأثیری در اشتغال افراد نداشته است (لرستانی، ۱۳۸۱). بازار کار برای فارغ‌التحصیلان کاردانش چندان مناسب نیست؛ به‌طوری که ۳۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه بیکار بودند. ۴۷/۵ درصد شاغلان اعلام کرده‌اند که بین رشته تحصیلی و شغل مورد تصدی آنان هماهنگی وجود ندارد. تنها حدود ۲۶ درصد افراد اعلام کرده‌اند، مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی مناسب و کافی است (خانی، ۱۳۸۰). بنا به گزارش درفش کاویان و قدسی (۱۳۸۴)، وزارت آموزش و پرورش برای اجرای برنامه کاردانش نیروی انسانی مخصوص اقدام نکرده است و از نیروی موجود خود که قبلاً در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و یا طرح کاد مشغول بودند، استفاده می‌کند و برخی از کمبودها را با استفاده از افراد غیررسمی برطرف می‌کند. کمیت و کیفیت دوره‌های آموزش ضمن‌خدمت چندان رضایت‌بخش نیست. بسیاری از کارکنان پاره‌وقت و حق‌التدریس از دانش و تخصص مناسب و کافی برخوردار نیستند. نتایج تحقیق صابری (۱۳۸۳) نشان داد که برنامه‌های درسی نتوانسته است دانش و مهارت لازم را به هنرجویان شاخه کاردانش بدهد. همه گروه‌های نمونه آماری اعتقاد داشتند که شاخه کاردانش نتوانسته است زمینه مناسب را برای قانونمند شدن امر اشتغال فراهم آورد. آموزش‌های شاخه کاردانش متناسب با نیازهای منطقه توسعه پیدا نکرده است.

نویدی (۱۳۸۸)، در مطالعه خود، وقتی که از کارشناسان آموزش و پرورش در باره پیامدهای جنبی منفی برنامه کاردانش سؤال کرد، این کارشناسان به مواردی اشاره کردند که با یافته‌های سایر پژوهش‌ها هماهنگ بود. این افراد براین باور بودند که در اثر ضعف در تمهید مقدمات اجرای طرح (تربیت نیروی انسانی متخصص، تهیه تجهیزات مناسب و تدوین قوانین و مقررات)، برنامه کاردانش از مسیر اصلی خود منحرف شده و در تحقق رسالت و اهداف اصلی آن اختلال ایجاد شده است؛ این تصور مخرب که «کاردانش برای دانش‌آموزانی که از نظر فرهنگی، علمی و اخلاقی در سطح پایین هستند، مناسب است»، به‌طور فزاینده‌ای تقویت شده است؛ وجود شاخه کاردانش و ذهنیت منفی مربوط به آن به افت کیفیت آموزش در واحدهای آموزشی این شاخه منجر شده است. اشتغال نیروی انسانی غیرحرفه‌ای و کم‌توان‌تر در واحدهای کاردانش به نابرابری بیشتر در توزیع فرصت‌های آموزشی منجر شده است و در واقع، فرزندان

خانواده‌های وابسته به طبقه کم‌درآمد اجتماع از امکانات آموزشی کمتری برخوردار شده‌اند. حضور الزامی دانش‌آموزان برخی از رشته‌ها در مؤسسات خصوصی نگرانی‌هایی را در باره تأثیر مخرب بر تربیت دانش‌آموزان به وجود آورده است. با گذشت زمان، نگرش خانواده‌ها و افکار عمومی نسبت به کاردانش منفی‌تر شده است؛ بر خلاف اهداف اعلام شده، روحیه مدرک‌گرایی تقویت و بازار آموزشگاه‌های آزاد و مراکز آمادگی برای کنکور داغ‌تر شده و انگیزه ورود به دانشگاه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ تمرکز بر دروس نظری بیشتر شده و اولویت درس‌های عملی مورد غفلت قرار گرفته است؛ در اثر توزیع نامناسب رشته‌ها در مناطق مختلف کشور و نیز توزیع نامناسب دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف، بازارکار از برخی از رشته‌ها اشباع شده و در برخی از رشته‌ها نیاز بازارکار برطرف نشده است؛ برخلاف انتظار، استانداردهای آموزشی «به‌روز» و از تناسب و کفایت کافی برخوردار نیست و در نتیجه، نیازهای بازار کار را پوشش نمی‌دهند. در اثر وجود برخی از تخلفات، تقلب‌ها و به‌طور کلی، ضعف اساسی در فرایند ارزیابی صلاحیت‌های فارغ‌التحصیلان در باره روایی و اعتبار گواهی‌نامه‌های مهارت صادرشده از آموزشگاه‌های آزاد تردید جدی وجود دارد و فارغ‌التحصیلان کردانش به عنوان شاهد زنده، ضعف‌ها و نارسایی‌های برنامه را به نمایش گذاشته و ذهنیت منفی استخدام‌کننده‌ها را تقویت و در عین حال، منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تنزل داده‌اند. برخلاف پیش‌بینی برنامه‌ریزان، قوانینی برای التزام سایر دستگاه‌ها و مؤسسات با وزارت آموزش و پرورش تدوین نشده است. برخلاف انتظار، آینده شغلی فارغ‌التحصیلان مبهم بوده و شانس اشتغال آنان نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی به‌طور معنادار افزایش نیافته است. در اثر کمبود منابع مالی و امکانات آموزشی، وزارت آموزش و پرورش به ایجاد رشته‌های کم‌هزینه‌تر و ارائه دروس نظری گرایش پیدا کرده است که این گرایش با اهداف اصلی کردانش تعارض دارد. شواهد متقاعدکننده‌ای در باره فایده آموزش‌های مهارتی کردانش برای فراگیران این آموزش‌ها فراهم نشده است و به نظر می‌رسد کسانی که وارد شاخه کردانش شده‌اند، فرصت‌هایی را از دست داده‌اند و در مقابل، هیچ فرصت معناداری را به دست نیاورده‌اند.

یکی از اهداف برنامه کردانش کاهش دادن تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه و تعدیل فشار پشت کنکور بود. آیا این هدف تحقق پیدا کرده است؟ حدود ۸۰ درصد کارشناسان آموزش و پرورش به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند و این پاسخ منفی در

بسیاری از اسناد پژوهشی منعکس شده است. کارشناسان مصاحبه‌شونده برای توجیه نظر خود به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

۱. در اثر شیوع فرهنگ مدرک‌گرایی، تب کنکور در جامعه ما بسیار بالاست؛ به طوری که بسیاری از خانواده‌ها راه موفقیت فرزندان خود را ورود به دانشگاه می‌دانند. دلایل متقاعدکننده‌ای که خانواده‌ها به اتکای آنها بخواهند از انگیزه و تمایل خود برای ورود فرزندان خود به دانشگاه صرف‌نظر کنند، وجود ندارد.

۲. وقتی که فرصت اشتغال برای فارغ‌التحصیلان کاردانش فراهم نیست، نمی‌توان انتظار داشت تقاضا برای ورود به دانشگاه کاهش یابد. در نتیجه، ادامه تحصیل تنها راهی است که فارغ‌التحصیلان کاردانش، همانند سایر فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه می‌توانند در پیش بگیرند.

۳. برخلاف اهداف برنامه کاردانش نه تنها از فشار کنکور و روحیه مدرک‌گرایی کاسته نشده، بلکه این روحیه تقویت شده است. بازار آموزشگاه‌های آزاد و مراکز آمادگی برای کنکور داغ‌تر شده و انگیزه ورود به دانشگاه به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ به طوری که در حال حاضر، در بسیاری از شهرهای کشور اطلاعیه‌هایی که برای جذب دانش‌آموزان کاردانش به کلاس‌های کنکور پخش می‌شود، بسیار چشم‌گیر و برای همگان قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

از مجموعه شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که عملکرد برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کاردانش چندان موفقیت‌آمیز نیست. موفقیت‌آمیز نبودن تجربه اجرای برنامه کاردانش در ایران را نمی‌توان به یک یا چند عامل شناخته‌شده نسبت داد. ارزشیابی دقیق عملکرد برنامه کاردانش مستلزم توجه کافی به بافت فرهنگی و مجموعه نظام‌هایی است که همواره در حال تعامل هستند. نظام اقتصادی آلوده به رانت، سایر نظام‌های جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، سر و سامان یافتن برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مستلزم بهبود وضعیت اقتصادی کشور و بازار کار است. اختلال در نظام اقتصادی کشور و رواج اقتصاد مبتنی بر دلالتی و غلبه آن بر اقتصاد تولیدی می‌تواند موفقیت برنامه‌های آموزش و پرورش، به ویژه برنامه‌های آموزش‌های مهارتی را تهدید کند. بنابراین، اطلاع‌رسانی و توجیه کافی و به موقع گروه‌های ذی‌ربط و تضمین تعهد آنان به مشارکت مسئولانه در اجرای برنامه و همچنین، بازبینی و اصلاح برنامه و تمهید مقدمات اجرا، توقف توسعه کمی و اتخاذ تدابیر مؤثر برای توسعه کیفی برنامه کاردانش بر اساس معیارهای اقتصادی و فرهنگی کشور ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ابراهیم‌آبادی، ح (۱۳۷۶). برخی عوامل مرتبط با توسعه شاخه‌کاردانش نظام جدید آموزش متوسطه در مناطق آموزش و پرورش شهر تهران. (پایان‌نامه). تهران: دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- اسداللهی، م (۱۳۸۲). تأثیر تحصیل در شاخه‌کاردانش بر سطح حرمت خود و سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دوم و سوم دبیرستان‌های شهر تهران. (پایان‌نامه). سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
- افشاری، غ، ح (۱۳۷۵). نظرات دبیران مشاور و دانش‌آموزان در رابطه با برخی عوامل گرایش به شاخه‌کاردانش نظام جدید متوسطه در شهرستان دزفول (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- برزگر، م (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری شاخه‌کاردانش در شهرستان‌های تهران. آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران.
- برقه‌ای، ب. (۱۳۸۴). بررسی فرآورده‌های آموزشی مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش هنرستان‌های دخترانه شهر یزد در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۶. سازمان آموزش و پرورش استان یزد.
- تکمیل همایون، غ (۱۳۷۷). «وضعیت امروز کاردانش». نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش. سال نهم، شماره ۶۱، ص ۵
- حق پرست، ن، الف (۱۳۷۷). بررسی وضعیت شغلی و کارآیی فارغ‌التحصیلان شاخه‌کاردانش عوامل مؤثر بر آن در استان مازندران. اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران.
- حمزه‌لویی کهریزی، الف (۱۳۷۴). ارزشیابی شاخه‌کاردانش در نظام جدید آموزش متوسطه از دید مدیران، مشاوران، مربیان پرورشی، اولیا و دانش‌آموزان سراسر کشور در سال ۷۴-۱۳۷۳. (پایان‌نامه). تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- حنیفی، ع، الف (۱۳۸۰). بررسی رابطه آموزش‌های رسمی مهارتی شاخه‌کاردانش با اشتغال فارغ‌التحصیلان در سال‌های ۷۲ الی ۷۴ استان کردستان. آموزش و پرورش استان کردستان.

خانی، ع (۱۳۸۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان شاخهٔ کاردانش استان خراسان. سازمان آموزش و پرورش استان خراسان.

درفش کاویان، س و قدسی، پ (۱۳۸۴). ارزشیابی نیروی انسانی (مربیان) شاغل در واحدهای آموزشی شاخهٔ کاردانش تهران. پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت.

سلیمانی، ق (۱۳۷۵). بررسی وضعیت و عوامل عدم گرایش دانش‌آموزان به ادامهٔ تحصیل در شاخهٔ کاردانش از دیدگاه دانش‌آموزان، دبیران، مدیران و مشاوران در استان چهارمحال و بختیاری. آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری.

سوداگری، ب (۱۳۸۱). بررسی تأثیر نرخ سرانهٔ کاردانش و فنی و حرفه‌ای بر بهبود کیفیت آموزشی هنرجویان استان کردستان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

شریعت زاده، م (۱۳۸۵). طراحی الگوی انطباق و سازگاری رشته‌های کاردانش با نیازهای بازار کار در شهر تهران. سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.

شهسواری فرد، ع (۱۳۷۵). میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان شاخهٔ کاردانش دبیرستان‌های شیراز نسبت به شاخهٔ کاردانش در سال تحصیلی ۱۳۷۴-۷۵. (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

صابری، ر (۱۳۸۳). گزارش ارزشیابی آموزش‌های شاخهٔ کاردانش با توجه به اهداف از پیش تعیین‌شده در استان کرمان. سازمان آموزش و پرورش استان کرمان.

صالحی، ک؛ زین آبادی، ح، ر، و کیامنش، ع، ر (۱۳۸۵). «نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستان‌های کاردانش: موردی از ارزشیابی کیفیت بروندادهای هنرستان‌های کاردانش منطقهٔ ۲ شهر تهران». فصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شمارهٔ ۱۶ سال پنجم.

عابدی، غ، ر (۱۳۸۳). بررسی میزان رضایت مدیران صنایع و صاحبان حرف و مشاغل از عملکرد فارغ‌التحصیلان آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان زرین شهر. سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

غریب، م، ح (۱۳۷۴). نگرش دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه نسبت به شاخهٔ کاردانش در دبیرستان‌های شهرستان اراک در سال تحصیلی ۱۳۷۴-۷۵. آموزش و پرورش استان مرکزی.

- محمد بیگی، ع. الف (۱۳۷۸). آموزش حرفه‌ای در حال گذار: پژوهشی در برنامه‌های درسی هفت کشور برای حرفه آموزشی مداوم (تألیف گرت لوز، ۱۳۹۱) (چاپ دوم) تهران: انتشارات مدرسه.
- لرستانی، الف (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کاردانش استان کرمانشاه. آموزش و پرورش استان کرمانشاه.
- لنکرانی، م (۱۳۸۰). بررسی مشکلات اجرایی ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در واحدهای آموزشی شهر اصفهان از دیدگاه هنرجویان، هنرآموزان و مدیران در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹. آموزش و پرورش استان اصفهان.
- مرجانی، ب (۱۳۷۰). بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مدارس فنی و حرفه‌ای در ایران از دارالفنون تا امروز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- مهدی زاده، ع (۱۳۷۶). بررسی میزان اثربخشی شاخه کاردانش در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان این شاخه در سال‌های ۷۵-۱۳۷۱ در استان کرمان. آموزش و پرورش استان کرمان.
- میرهادی، م (۱۳۷۹). بررسی میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان مهارت‌آموزان شاخه کاردانش در مشاغل مرتبط در استان اصفهان در سال ۱۳۷۹. آموزش و پرورش استان اصفهان.
- میری، ن، م (۱۳۷۶). بررسی برخی ویژگی‌های برنامه آموزشی نظام جدید آموزش کشاورزی از دیدگاه مدیران و هنرآموزان هنرستان‌های کشاورزی (پایان‌نامه). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نویدی، الف. (۱۳۷۵). رابطه بین رشته تحصیلی و شغل موردانتظار دانش‌آموزان شاخه کاردانش در شهر تهران. تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه (فنی و حرفه‌ای).
- نویدی، الف و برزگر، م (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک شاخه کاردانش، فصل‌نامه تعلیم و تربیت. سال نوزدهم، شماره ۷۵. صفحات ۶۵ تا ۱۰۶.
- نویدی، الف (۱۳۸۳). راهنمای عملی ارزشیابی جامع برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

نویدی، الف؛ برزگر، م؛ اسماعیلی، م، ع و بدری، ن، الف (۱۳۸۴). آموزش فنی و حرفه‌ای: چکیده تحقیقات (جلد چهارم). تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه پژوهشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۳). کلیات نظام جدید آموزش متوسطه (چاپ چهارم) صنایع آموزشی، تهران.

هیئت‌اللهی، م (۱۳۷۶). بررسی مسائل و مشکلات شاخه‌کاردانش در استان کردستان در سال ۱۳۷۵-۷۶ و ارائه راه‌حل‌های مناسب جهت بهبود وضعیت موجود. کردستان: اداره کل آموزش و پرورش استان.

Archive of SID